

## مطالعه کیفی علل و زمینه‌های زباله‌گردی در شهر زاهدان

مصطفی ظهیری‌نیا\*

سیما هادی\*\*

### چکیده

در مقاله حاضر علل و زمینه‌های روی آوردن به زباله‌گردی را مطالعه کرده‌ایم. میدان پژوهش این مقاله فضاهای عمومی شهر زاهدان است و به منظور بررسی این موضوع از نظریه زمینه‌ای، در حکم استراتژی فرایندمحور شناخته شده در پژوهش‌های کیفی، استفاده شده است. مشارکت‌کنندگان در مطالعه حاضر نه نفر از زباله‌گردهای سطح مناطق و محلات شهر زاهدان بودند که به صورت هدف‌مند برای نمونه انتخاب شدند و با آن‌ها مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته صورت گرفت. مقوله‌های عمده حاصل از استخراج و کدگذاری داده‌های مصاحبه عبارت‌اند از: «تنگناهای شغلی و ضرورت تأمین معاش»، «نبود حمایت دولتی / سازمانی»، «اعتیاد»، «فقدان حمایت خانوادگی»، «حفظ کرامت انسانی»، و «نبود منع اجتماعی». از انتزاع این مقولات و در سطحی بالاتر مقوله هسته‌ای این تحقیق، «زباله‌گردی؛ پی‌آمد حمایت اجتماعی ناکافی»، حاصل شده است. این یافته‌ها می‌توانند تصویری روشن از علل و زمینه‌های روی آوردن به زباله‌گردی را ارائه دهند.

**کلیدواژه‌ها:** زباله‌گردی، زباله‌گردها، گراند تئوری، شهر زاهدان، مطالعه کیفی.

### ۱. مقدمه

گسترش و توسعه شهرها و افزایش سطح کیفیت زندگی مردم موجب مصرف فرآورده‌های تولیدی و تولید حجم انبوهی از زباله‌ها در شهرها شده است (عمرانی و همکاران، ۱۳۹۱). زباله به مواد زائد و جامد فسادپذیر و فسادناپذیر می‌گویند که در منازل، مراکز تهیه و

\* دانشیار گروه علوم اجتماعی، دانشگاه هرمزگان (نویسنده مسئول)، mozan54@yahoo.com

\*\* کارشناس ارشد پژوهش علوم اجتماعی، دانشگاه هرمزگان، h.sima1367@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۰۳/۰۲، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۰۷/۱۴

فروش مواد غذایی، مؤسسات صنعتی، و بیمارستان‌ها تولید می‌شود. از معضلات مهم شهرنشینی افزایش رشد تولید زباله است (محمدیان و همکاران، ۱۳۸۸). طبق اطلاعات سازمان بهداشت جهانی پیش‌بینی می‌شود که تولید زباله در جهان تا سال ۲۰۲۵ چهار تا پنج برابر میزان کنونی افزایش یابد (رهنما و کاظمی خیبری، ۱۳۹۱). پخش پسماندهای جامد شهری در محیط زیست از مشکلات جوامع بشری است که با افزایش جمعیت بیش‌تر می‌شود (محرم‌نژاد و همکاران، ۱۳۹۰). با وجود اجتناب‌ناپذیر بودن تولید زباله به‌دست انسان، توجه به سامان‌دهی آن اهمیت دارد (مهدوی و همکاران، ۱۳۸۹). تجمع زباله در محیط شهری، علاوه‌بر نازیبایی فضای شهری، باعث بروز ناراحتی و نارضایتی در سطوح گوناگون اجتماعی می‌شود. پسماندها با رطوبت و حرارت به رشد میکروب‌ها و بروز بیماری‌های انسان منجر می‌شوند؛ انتشار زباله در محیط و طولانی‌شدن زمان جمع‌آوری زباله از معابر و اماکن عمومی محیط مناسبی را برای تکثیر و رشد سریع بسیاری از باکتری‌ها، حشرات، حیوانات موذی، و ... فراهم می‌کند (سعیدی و همکاران، ۱۳۹۱).

عموماً درخصوص مبحث زباله به مشکلات زیست‌محیطی حاصل از انباشت زباله توجه شده است، درحالی که، جمع‌نکردن به‌موقع و تلنبارشدن زباله‌ها در مناطق گوناگون شهر پدیده زباله‌گردی را به‌مثابه مسئله‌ای اجتماعی به‌دنبال داشته است که تاکنون بررسی نشده است. زباله‌گردی یکی از معضلات و عوارض شهرنشینی است که اخیراً بسیاری از کلان‌شهرها و حتی شهرهای کوچک‌تر به آن دچار شده‌اند. افرادی با خارج کردن زباله از محفظه‌ها، سطل‌ها، یا پلاستیک‌های زباله به دنبال مواد بازیافتی چون کارتن، اشیای فلزی، و وسایل پلاستیکی می‌گردند و آن‌ها را جمع‌آوری می‌کنند و برای فروش به ضایعات‌فروشی می‌برند تا در فرایند بازیافت به‌کار بگیرند. به‌عبارت‌دیگر، زباله‌گردی از جمله فعالیت‌های تعریف‌نشده‌ای است که با هدف پیدا کردن و جمع‌آوری کالاهای قابل‌بازیافت، به‌منظور فروش و کسب درآمد، در جامعه رواج یافته است.

تولید بیش از حد زباله یکی از مشکلات روبه‌رشد در کشورهاست (علیاری و همکاران، ۱۳۸۹). در شهر زاهدان نیز شهرداری محل‌هایی را اعم از فضاهای باز یا سطل‌های فلزی در اماکن عمومی، خیابان‌ها، و کوچه‌ها قرار داده است که زباله‌ها به مدت چند روز در آنجا تلنبار می‌شود و فرصت را در اختیار زباله‌گردها قرار می‌دهد که با وجود اوضاع نامناسب بهداشتی در میان زباله‌ها به دنبال اشیای بازیافتی بگردند. دسترسی به زباله‌ها در محیط شهری به‌تنهایی عامل روی آوردن افراد به زباله‌گردی نمی‌تواند باشد. هر فرد بنابر موقعیت اجتماعی خود به کنش و واکنش می‌پردازد؛ انتخاب زباله‌گردی، به‌مثابه

یک شغل، واکنش این افراد به اوضاع اجتماعی است که در آن قرار گرفته‌اند. اوضاع محیطی و اجتماعی می‌تواند دامنه انتخاب‌های فرد را گسترده یا محدود کند. بنابراین برخی افراد برای امرارمعاش به زباله‌گردی روی می‌آورند. در این پژوهش علل و زمینه‌هایی را بررسی می‌کنیم که موجب انتخاب زباله‌گردی به مثابه شغلی برای امرارمعاش این افراد شده است.

تحقیقات دردسترس غالباً با نگاهی بیرونی به پدیده زباله‌گردی و پی‌آمدهای زیست‌محیطی آن پرداخته‌اند، درحالی‌که، به درک و تفسیر رفتار افراد درگیر در این پدیده به‌ندرت توجه شده است. پژوهش حاضر بر پارادایم تفسیری مبتنی است، بنابراین، در پی آن است تا علل پدیده مذکور را از نقطه‌نظر سوژه‌های میدان مطالعه کشف و شناسایی کند. بنابراین، سؤال اساسی مقاله حاضر این است که زباله‌گردها در میدان مطالعه‌شده علل و زمینه‌های زباله‌گردی را چگونه درک و تفسیر می‌کنند؟

## ۲. پیشینه نظری

در بیش‌تر منابع فارسی، درخصوص موضوع مقاله، روش‌های جمع‌آوری زباله و تفکیک زباله بررسی شده است و درخصوص زباله‌گردی و زباله‌گردها مطلب قابل‌توجهی ارائه نشده است. برای مثال، عباس‌زاده و همکاران (۱۳۹۴) در تحقیقی با عنوان «تأثیر سرمایه فرهنگی و اجتماعی بر مشارکت شهروندان در تفکیک و جمع‌آوری زباله‌های خانگی» میزان مشارکت خانوارهای شهر ارومیه را در تفکیک و جمع‌آوری زباله‌های خانگی بررسی کرده‌اند و تأثیر سرمایه فرهنگی و اجتماعی در آن را با روش پیمایشی سنجیده‌اند. نتایج این تحقیق نشان داد که بین سرمایه اجتماعی و سرمایه فرهنگی با میزان مشارکت در تفکیک و جمع‌آوری زباله‌های خانگی رابطه معناداری وجود دارد.

صالحی و خوش‌فر (۱۳۹۲) در تحقیقی دیگر با عنوان «بررسی نگرش زنان نسبت به بازیافت زباله‌های خانگی در مازندران» نشان دادند که پارادایم نوین زیست‌محیطی عامل بسیار مهمی در تکوین نگرش مثبت به مدیریت بازیافت زباله‌های خانگی است. هم‌چنین دغدغه زیست‌محیطی، سطح تحصیلات، و وضعیت اقتصادی خانوارها رابطه معناداری با نگرش زنان به بازیافت زباله داشته‌اند.

رهنما و کاظمی خیبری (۱۳۹۱) در تحقیق خود با عنوان «بازنگری راه‌بردی حوزه خدمات شهری مدیریت محلی ایران با تأکید بر پسماند شهری» در کلان‌شهر مشهد به این نتیجه رسیدند که شناخت نیازها و اولویت‌های شهروندان مشهدی و ایجاد محیط زیست

سالم و پایدار می‌بایست مبنا و ملاک تصمیم‌سازی‌ها و تصمیم‌گیری‌ها در سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی برای کلان‌شهر مشهد باشد که بدون نگاه راه‌بردی و استراتژیک ممکن نیست. حسینی و همکاران (۱۳۸۷) در تحقیقی با عنوان «بررسی تأثیر مشارکت نوجوانان بر جمع‌آوری و دفع بهداشتی زباله توسط خانواده‌ها» به ۱۰۲ خانواده آموزش دادند و جلسات آموزشی نیز برای نوجوانان برگزار کردند. پس از بررسی و مقایسه درصد خانوارهای روستایی شرکت‌کننده در جمع‌آوری و دفع زباله به‌روش بهداشتی، قبل و بعد از مشارکت نوجوانان، به این نتیجه رسیدند که مشارکت نوجوانان در ارتقای شاخص جمع‌آوری و دفع بهداشتی زباله تأثیر داشت.

### ۳. روش‌شناسی تحقیق

پژوهش حاضر براساس استراتژی نظریه زمینه‌ای (grounded theory) صورت پذیرفته است. نظریه زمینه‌ای بر نوعی استقرا استوار است که به‌وسیله داده‌های منتج از پژوهش نظریه تولید می‌کند. در این روش، جمع‌آوری و تحلیل داده‌ها و نظریه احتمالی نهایی با یکدیگر ارتباط نزدیکی دارند و محقق به‌جای پیش‌فرض گرفتن یک نظریه با ورود به حوزه مطالعه‌شده به داده‌ها اجازه می‌دهد تا نظریه را پدید آورند (Strauss and Corbin, 1998). شیوه اساسی در این روش بر کدگذاری مبتنی است. بدین ترتیب مصاحبه‌ها از همان شروع کار پیاده‌سازی و متن‌ها کدگذاری می‌شوند. در ادامه و با گسترش کدهای کشف‌شده یک کد لاگ (code log) ساخته می‌شود و حرکت از کدهای اولیه به‌سوی مقولاتی با انتزاع بالاتر صورت می‌گیرد. مقولات کشف‌شده درحقیقت محوری‌ترین عللی است که زباله‌گردها به‌منابۀ علل زباله‌گردی ابراز داشته‌اند. مشارکت‌کنندگان این پژوهش نُه نفر از زباله‌گردهای مناطق گوناگون شهر زاهدان‌اند. انتخاب مشارکت‌کنندگان در این تحقیق به‌صورت هدف‌مند بوده و برای تعیین تعداد مشارکت‌کنندگان از ملاک اشباع نظری استفاده شده است.

### ۴. یافته‌ها و تحلیل

کدگذاری سه‌مرحله‌ای مرسوم در نظریه زمینه‌ای به ظهور مفاهیم و مقولاتی منجر شد که هریک بخشی از علل و زمینه‌های پدیده موردبررسی را روشن می‌کند. در این بخش نخست تصویری کلی از کدهای کشف‌شده ارائه و سپس هریک از مقولات محوری به‌تفکیک توضیح داده خواهد شد.

جدول ۱. مقولات استخراج‌شده درباره علل روی آوردن به زباله‌گردی

مفاهیم	مقولات محوری	مقوله هسته
بی‌کاری مخارج خانواده از دست دادن شغل قبلی	تنگناهای شغلی و ضرورت تأمین معاش	زباله‌گردی؛ بی‌آمد حمایت اجتماعی ناکافی
نبود پوشش بیمه دریافت نکردن حمایت از نهادهای حمایتی کاغذبازی سیستم اداری تبعات (بی‌آمدهای) یارانه نقدی / سبد کالا	نبود حمایت دولتی / سازمانی	
داشتن اعتیاد فراهم بودن زمینه اعتیاد تمایل نداشتن به ترک اعتیاد	اعتیاد	
از دست دادن فرد حامی در خانواده نبود احساس تعلق به خانواده	فقدان حمایت خانوادگی	
کسب درآمدهای مشروع و قانونی تمایل نداشتن به گدایی	حفظ کرامت انسانی	
پذیرش زباله‌گردی از سوی مردم برخورد نکردن مأموران دولتی	نبود منع اجتماعی	

#### ۱.۴ تنگناهای شغلی و ضرورت تأمین معاش

عمده‌ترین علت کسب درآمد برای افراد پاسخ‌گویی به نیازهای حیاتی‌شان است، از جمله نیازهای اساسی انسان‌ها معاش است. در زندگی شهری، برآوردن نیازهای روزانه برای افرادی که شغل مشخص و ثابتی ندارند به صورت مستقیم میسر نیست، بنابراین، برگزیدن شغلی کاذب و پرداختن به آن درآمدی را در اختیار افراد می‌گذارد که از طریق آن می‌توانند به نیازهای حیاتی‌شان پاسخ دهند که یکی از این مشاغل کاذب زباله‌گردی است.

تنگناهای شغلی و ضرورت تأمین معاش از مهم‌ترین عللی است که سبب زباله‌گردی در شهر زاهدان شده است. این مقوله از کدهای: «بی‌کاری و نبود فرصت‌های شغلی»،

«مخارج خانواده»، و «از دست دادن شغل قبلی» انتزاع شده است. همان‌گونه که مفاهیم به دست آمده نشان می‌دهد مشکلات و معضلات معیشتی و درآمدی بخشی از علل و زمینه‌های زباله‌گردی در میدان مطالعه را نمایندگی می‌کند.

#### ۱.۱.۴ بی‌کاری و نبود فرصت‌های شغلی

اوضاع اجتماعی که فرد در آن قرار دارد اجبارها و الزام‌هایی را به فرد وارد می‌کند؛ نیافتن شغل محدودیتی است که افراد را به یافتن راه دیگری برای پاسخ به نیازهایشان مجبور می‌کند. اگرچه زباله‌گردی شغل متعارفی نیست، اما برای فردی که به یافتن کار دیگری موفق نشده است می‌تواند راهی برای امرار معاش باشد. افرادی که به زباله‌گردی مشغول بودند به علت نداشتن شغلی مناسب برای کسب درآمد به سراغ این کار آمده‌اند. در این خصوص زاهد ۳۸ ساله اظهار داشته است که:

کاری نداریم، شغلی نداریم، بعد از این‌که از زندان اومدیم مشغول این کار شدیم، از بی‌کاری.

آقای ریگی هم می‌گوید:

ما والا از مجبوری این کار رو داریم می‌کنیم، به خاطر این‌که به حساب کاری نیست، بی‌کاریه.  
عباس ۴۴ ساله نیز می‌گوید:

وضعیت کار خراب شد، کار به ما نمی‌دادن هر جا که می‌رفتیم. الان دیگه نو که اومد به بازار کهنه شد دل‌آزار، ما قدیمی‌ها می‌ریم کنار بچه جوون‌ها میان دیگه.

وقتی از ابراهیم ۳۱ ساله پرسیده می‌شود: «چرا مشغول این کار شدید؟» خیلی کوتاه پاسخ می‌دهد:

به خاطر بی‌کاریه.

و دوباره مشغول کارش می‌شود.

#### ۲.۱.۴ مخارج خانواده

خانواده یکی از نهادهای مهم اجتماعی است. در جوامع، تشکیل خانواده مهم و باارزش قلمداد می‌شود، چراکه خانواده کارکردهای مهمی برای اجتماع دارد و هم‌چنین به حفظ

اجتماع کمک می‌کند؛ بنابراین افراد اجتماع طی دوران زندگی خود تصمیم به ازدواج و تشکیل خانواده می‌گیرند، پس از تشکیل خانواده، افراد نقش‌های جدیدی کسب می‌کنند و به دنبال آن با فرزندآوری نقش‌ها و وظایف جدیدی به وظایف قبلی‌شان افزوده می‌شود. تأمین خانواده یکی از شروط مهم برای تشکیل و حفظ خانواده است. در جامعه ما تأمین خانواده عموماً از وظایف مرد خانواده به‌شمار می‌رود. زباله‌گردهای متأهل که هنوز زن و فرزندشان با آنان زندگی می‌کردند و به‌عبارتی همسرشان از آن‌ها جدا نشده بود به مخارج خانواده و تأمین آنان اشاره کرده بودند؛ اگرچه با زباله‌گردی مسئله تأمین معاش برای این دسته از افراد هم‌چنان باقی مانده بود، اما به آنان فرصتی برای ادامه زندگی داده بود.

غنی ۴۵ ساله می‌گوید:

دارم کارتن جمع می‌کنم، زن و بچه‌ام رو نونشونو درمیارم، اجاره‌خونه می‌دم؛ سرمایه‌ای من ندارم که یه جایی یه مغازه‌ای چیزی باز کنم، هشت نفر نون‌خور دارم، کرایه‌خونه می‌دم، مریض دارم.

محمود ۴۴ ساله نیز می‌گوید:

دیگه کاری نیست، بی‌کار تو خونه باشیم خرج ما از کجا دربیاد؟

### ۳.۱.۴ ازدست‌دادن شغل قبلی

یکی دیگر از علل افراد برای زباله‌گردی ازدست‌دادن شغل قبلی‌شان بوده است. در واقع، تمایز این مقوله از مقوله بی‌کاری در این است که در این‌جا افراد به‌علت ناتوانی در ادامه شغل قبلی‌شان، از آن شغل دست‌کشیده‌اند و به سراغ زباله‌گردی رفته‌اند. ناتوانی برای ادامه شغل قبلی به انتخاب زباله‌گردی، به‌مثابه شغلی برای تأمین معاش، منجر شده است.

غنی ۴۵ ساله می‌گوید:

پاهام خرابه، ساییدگی زانو دارم، نمی‌تونم کارگری کنم.

حسین می‌گوید:

از روی ساختمان افتادم از این‌جا تا این‌جا پاره شد [با دست از زیر قفسه سینه تا شکم و امتداد پایش را نشان می‌دهد] دیگه نمی‌تونستم کار کنم، برام سخته نمی‌تونم.

ابراهیم ۳۱ ساله می‌گوید:

خب دیگه دستگاه جوش ندارم، یکی نیست که بگه آقا این دستگاه جوش و این گاری و این ماشین، من دستگاه جوشمو فروختم، طلاقم پیش اومد، به خاطر این که نفرستم زندان به خاطر مهریه، دیگه اومدن پيله کردن، دیگه هرچی داشتم نداشتم رو مهریه و اینا دادم. موتوری داشتم فروختم.

بر این اساس، در بین زباله‌گردها این تلقی وجود دارد که به علت تنگناهای شغلی و نبود راهی برای تأمین زندگی، با روی آوردن به زباله‌گردی، می‌توانند خیلی از مشکلات معیشتی را برطرف کند.

#### ۲.۴ نبود حمایت دولتی / سازمانی

حکومت‌ها در قالب بخش‌های دولتی، خصوصی، و یا سازمانی شهروندان جامعه را حمایت می‌کنند؛ هم‌چنین در همه جوامع برای حمایت از اقشار آسیب‌دیده سازمان‌ها و ارگان‌های مخصوصی در نظر گرفته شده است تا این افراد نیز بتوانند در جامعه به زندگی خود ادامه دهند. از آنجایی که افراد زباله‌گرد بی‌کار شده بودند یا امکان ادامه شغل قبلی خود را نداشتند، در واقع، دچار آسیب اجتماعی شده بودند و نیاز به حمایت از طرف دولت و سازمان‌های مربوطه داشتند. دریافت نکردن این حمایت باعث شده است تا این افراد به سراغ زباله‌گردی بروند. مقوله «نبود حمایت دولتی / سازمانی» مقوله دیگری است که شامل چهار کد: «نبود پوشش بیمه»، «نبود حمایت از سوی نهادهای حمایتی دولتی»، «کاغذبازی سیستم اداری»، و «پی‌آمدهای یارانه نقدی و سبد کالا» است.

#### ۱.۲.۴ نبود پوشش بیمه

هر کاری خطرهای پیش‌بینی شده و پیش‌بینی نشده‌ای دارد، بنابراین با بیمه کردن افراد، در صورت بروز آسیب و یا از کار افتادگی، فرد بیمه شده می‌تواند با حمایت بیمه به زندگی ادامه دهد. تمکن مالی نداشتن افراد برای قرار گرفتن تحت پوشش بیمه و یا نبود امکان استفاده افراد از بیمه خود پس از بی‌کاری از علل روی آوردن افراد به زباله‌گردی بوده است. در این خصوص محمود ۴۴ ساله بیان داشته است که:

بیمه هستیم، بیمه کسی جواب نمی‌ده، پونزده سال سابقه بیمه دارم، می‌گه باید بری سر کار دیگه که این بیمه‌ات با اون رو بشه که بعد یا پولو بهت بدیم یا بازنشستگی بگیریم.



غنی ۴۵ ساله نیز می‌گوید:

بیمه هیچ نیستیم، با این درآمد می‌شه بیمه و پول بیمه داد! نمی‌شه!

حسین که در حین جوش کاری از یک ساختمان به پایین افتاده و به‌خاطر جراحت حاصل از آن نتوانسته است دوباره به کارش برگردد، می‌گوید:

بیمه کجاست! نه بابا بیمه چیه!

#### ۲.۲.۴ نبود حمایت از سوی نهادهای حمایتی دولتی

از جمله مراکز حمایتی کشور که از اقشار آسیب‌دیده حمایت می‌کنند کمیته امداد و بهزیستی‌اند. این سازمان‌ها باید آسیب‌دیدگان اجتماعی را شناسایی کنند و از آنان حمایت کنند، درحالی‌که، نارضایتی زباله‌گردها از نبود حمایت این سازمان‌ها از جمله عللی است که سراغ کار زباله‌گردی رفته‌اند.

زاهد ۳۸ ساله می‌گوید:

جواب نمی‌ده کسی، یارانه‌مونو نمی‌دن چه برسه به کمیته امداد.

غنی ۴۵ ساله می‌گوید:

کمیته امداد نمی‌ده میگه تو که آدم سالمی، ساییدگی زانو داریم ولی اینا رو قبول نمی‌کنه، بهزیستی، کمیته امداد اینا رو قبول نمی‌کنه.

آقای ریگی نیز دربارهٔ تحت پوشش نبودنش بیان می‌کند:

الان [کمیته امداد] معرفی‌ام بکنن من هیچی مدارک [شناسایی] ندارم که به حساب بخوان منو تحت پوشش قرار بدن.

عباس ۴۴ ساله نیز از تجربه‌اش در یک خوابگاه می‌گوید:

الان همین خوابگاهی که من بودم، تقریباً هفده هجده روز بودم، خب یه صبحانه مال ۵۰ نفره هر صبحانه شونم ۳۵۰۰ تومن، خب این ۳۵۰۰ تومن هر نفری باید صبحانه‌اش رو کامل بده؛ دو تا ۳۵۰۰ تومن میشه ۷۰۰۰ تومن، میرن دو تا پنیر هزار تومنی می‌گیرن با دو تا نون. هر کدوم این قدر نون [کم‌تر از یک کف دست] یکم پنیر هم روش می‌مالن مثل بچه می‌دن دستت، خدا حافظ. ظهر هم همین جور، ظهرم یه نون خشکی می‌دن،

ظهر هم به حساب غذای کامل، من می‌دونم استان‌داری رفتم می‌دونم دارن نهایت خدمت رو می‌کنن، اما دزدی‌هایی که این‌جا می‌شه اصل کار ایناست.

وقتی از او پرسیدم: «دیگر به خوابگاه نمی‌روید؟» گفت:

نه دیگه بعد از پونزده روز بهانه‌گیری کردند و بیرونمون کردن.

مراکز ترک اعتیاد نیز از جمله مراکز حمایتی است که از فرد معتاد حمایت می‌کند تا فرد بتواند اعتیاد را کنار بگذارد و به زندگی عادی‌اش بازگردد.

احمد ۲۹ ساله نیز از تجربه‌اش در مراکز ترک اعتیاد می‌گوید که:

یه جاهای شخصی هست که خدمت خوبی به آدم نمی‌کنه، داری درد می‌کشی ولی بازم براشون فرقی نمی‌کنه باز کمپ دولتی‌ها چیزی که هست خوبه چون به آدم رسیدگی می‌کنه یه چیزی هم که هست اینه که از کمپ هم که بیرون‌شدی بهت رسیدگی می‌کنه ولی اینا نه، اینا یه پول مفتی می‌گیرن بعد می‌برن اون‌جا بلانست مثل یه گاوی، حیوونی، گوسفندی، چیزی در رو می‌بندن به روت، مُردی که مُردی، موندی که موندی.

داشتن تجربه خوب یا بد از مراکز حمایتی در مراجعه مجدد افراد به این مراکز و یا مراجعه به دیگر مراکز حمایتی مؤثر خواهد بود.

#### ۳.۲.۴ کاغذبازی سیستم اداری

کسانی که به زباله‌گردی مشغول بودند برای دریافت حمایت‌های دولتی نیازمند طی کردن مراحل برای ثبت‌نام و یا تکمیل مدارک بودند، اما به علت پیچیدگی سیستم ثبت‌نام موفق به تکمیل مدارک برای دریافت حمایت نشدند و دریافت‌نکردن پاسخ بعد از پی‌گیری‌های ثبت‌نام باعث دل‌سردی آنان شد و در نتیجه ناامید شدند و به سراغ زباله‌گردی رفتند.

سجاد ۲۶ ساله می‌گوید:

مدارکم گم شده [برای صدور مجدد] ضامن می‌خواد.

وقتی از او پرسیدم: «خب برادرتون، ضامنتون نمی‌شه؟». سرش را به علامت منفی تکان داد و گفت: «نه».

غنی ۴۵ ساله نیز می‌گوید:

من همسر من تو روستا بوده، تو روستا که بوده وقتی بچه بوده مادرش فوت می‌کنه پدرش می‌ره ازدواج می‌کنه شناسنامه برای اینا نمی‌گیره این با اون زن دیگه بزرگ می‌شه، بعد این پدر هم فوت می‌کنه، اینو خاله‌اش بزرگ می‌کنه، هم‌چنان شناسنامه نداره، حالا من بچه‌هامو رو شناسنامه خودم براشون شناسنامه گرفتم بچه‌ها سنشون هجده سال شده، من کارت ملی شونو چی نکردم، کارت ملی ندارن، سه نفر رو قطع کردن، یکی رو ثبت‌نام کردم، کد ره‌گیری هم دادن، می‌گه پیامک میاد، پیامکی هم برای ما نیومده، دم استان‌داری رفتم می‌گه از تهران قطع شده ما چه کار کنیم؟ رفتم ثبت‌احوال ما رو تحویل نمی‌گیرن سه چهار دور رفتم آخرش گفتم به‌درک، توکل ما به خدا.

زاهد ۳۸ ساله درخصوص ثبت‌نام برای یارانه‌اش می‌گوید:

رفتیم سراغشون کسی جوابی نداد، فرمان‌داری، استان‌داری اینا رفتیم کسی جوابی نداد، ما جزو انصرافیا شدیم.

از او می‌پرسم: «برای ثبت‌نامتان کی پی‌گیری کردین؟» می‌گوید:

مرحله اول که رفته بود مرحله دوم که ثبت‌نام کردن برج دو بود رفتیم پرنده مرونده هم تشکیل دادیم همه کارا رو هم کردیم موقع یارانه رفتیم سراغش گفتن شما جزو انصرافیا یید.

آقای ریگی درباره گم‌شدن شناسنامه‌اش و پی‌گیری برای صدور مجدد آن می‌گوید:

شناسنامه‌ام گم شد، درخواستم کردم، درخواست المثنی نوع قدیمشو، چند وقت پیش رفته بودم پیش معاون، مدارک منو از کامپیوتر استعلام کرد، از من راکد دراومده، الان از من نامه گرفته که برم دنبال کارام، درست کنم، اصلاً تمام کارام رو کرده بودم، درخواستم داده بودم تا قبض رسید دریافت شناسنامه رو هم گرفته بودم با رئیس ثبت‌احوال، چون آشنا بود فامیلم بود، یه شوخی کردم، به حساب نزدیکای بازنشستگی‌اش بود، گفتم که شما که دارین بازنشست می‌شین پسرتونو بیارین به جاتون بذارین، چند تا اون‌جا بودن و خندیدن، به حساب همون کارمنداش، من همه کارام کرده بودم، رسید گرفته بودم یه هفته دیگه برم شناسنامه‌ام رو تحویل بگیرم. اومدم می‌گه مدارکت ناقص بوده، گفتم مدارکم که ناقص بوده چه‌جوری قبض رسید به من دادید که شناسنامه رو تحویل بگیرم؟ مگه اون پرونده رو چک نمی‌کنه که چیزی

کم‌وکسر نداشته باشه؟ یک‌سری دیگه‌ام مدارکم رو درست کردم و اینا، اومد گفت یه چیز دیگه کمه، رو همین حساب منم دلم سرد شد نرفتم.

#### ۴.۲.۴ پی‌آمدهای یارانه نقدی و سبد کالا

یکی از سیاست‌های دولت برای حمایت از دهک‌های پایین جامعه واریز یارانه نقدی بود. برای دریافت یارانه نقدی، در محدوده زمانی مشخص، باید ثبت‌نام آن انجام می‌شد. عده‌ای از زیاله‌گردها حتی بعد از پی‌گیری‌های اداری نیز موفق به دریافت آن نشده بودند و عده‌ای از آنان، به‌علت ترک خانواده، یارانه نقدی‌شان را جداگانه دریافت نمی‌کردند. گروه دیگری که یارانه دریافت می‌کردند می‌گفتند که یارانه کفاف مخارج آنان را نمی‌دهد و هم‌چنان برای تأمین مخارجشان به زیاله‌گردی مجبورند.

زاهد ۳۸ساله می‌گوید:

یارانه حقیقتش نداریم ما، تو زندان بودم ثبت‌نام نکردم وقتی هم اومدم بیرون رفتیم ثبت‌نام کنیم گفتن شما جزو انصرافی‌هایید، ندادن بهمون.

احمد ۲۹ساله، که شب‌ها در منزل برادرش می‌خوابد، می‌گوید:

یارانه رو برادر می‌گیرد من اصلاً از یارانه‌ای چیزی خبر ندارم.

ابراهیم ۳۱ساله، که خانه را ترک کرده است، می‌گوید:

از موقعی که یارانه اومده، هرچی هست من به خدا یه دو هزار تومن ازش ندیدم.

عباس ۴۴ساله، که بعد از مرگ والدینش به‌علت این‌که خواهر و برادرهایش خانه را برای فروش گذاشته‌اند و به ترک خانه مجبور شده است، می‌گوید:

چی می‌شه این ۴۵ تومن؟ ۴۵ تومن پول برقمه که در ماه خونه بابام می‌دم؛ الان یه پول برق میاد ۶۰ تومن.

حسین می‌گوید:

یارانه‌ام پول کرایه خونه‌ام می‌شه، ۲۷۰ تومن پول کرایه خونه می‌دم.

علاوه‌بر یارانه نقدی، سبد کالا نیز به برخی از گروه‌های اجتماعی داده شد که در این میان نیز ناراحتی به‌علت دریافت‌نکردن آن دیده می‌شد.

غنی ۴۵ ساله می‌گوید:

سبد کالا که او مد یعنی نگا کن یارو با ماشین تایلندی آمد ترمز می‌گرفت می‌رفت کارتش رو می‌داد سهمیه سبد کالا رو بهش می‌دادن. من هر جا می‌رفتم می‌گفت براتون نیومده، ما رو ندادن.

### ۳.۴ اعتیاد

مقوله اعتیاد به صورت مستقیم در زباله‌گرد شدن افراد تأثیر نگذاشته است و به صورت غیرمستقیم با اثرگذاری در متغیری دیگر باعث شده است که فرد به سراغ زباله‌گردی برود؛ بدین صورت که فرد پس از معتاد شدن شغلش را از دست داده و با ازدست‌دادن شغل به زباله‌گردی مجبور شده است و یا فرد معتاد شده و پس از آن خانواده‌اش او را ترک کرده و او دیگر در نزد خانواده جایگاهی نداشته است، در نتیجه، سراغ زباله‌گردی رفته است. احمد ۲۹ ساله، که همسرش پس از معتاد شدن وی بدون آن‌که طلاق بگیرد او را ترک کرده و همراه بچه‌اش به منزل پدرش برگشته است، می‌گوید:

جدا شده فعلاً، گفته من نیمام، تا روزی که معتاد باشی نیمام.

در نتیجه احمد زندگی‌اش را جمع می‌کند و شب‌ها در منزل برادرش می‌خوابد.

سجاد نیز می‌گوید:

معتاد شدم کارمو از دست دادم.

و وقتی از او درباره چرایی ازدست‌دادن کارش بعد از اعتیاد می‌پرسم می‌گوید:

چون خودتون که می‌دونید آدمی که معتاد شه آبرو و حیثیت نداره.

سه مفهوم در این مقوله گنجانده شده است: «داشتن اعتیاد»، «فراهم‌بودن زمینه اعتیاد»، «تمایل نداشتن به ترک اعتیاد».

### ۱.۳.۴ داشتن اعتیاد

شش نفر از نُه فرد مطالعه‌شده به اعتیاد گرفتار بودند و تنها یک نفر آنان توانسته بود ترک کند، اما پنج نفر دیگر هم‌چنان اعتیاد داشتند. آنان درباره اعتیادشان جملات زیر را بیان داشته‌اند:

۵۰ مطالعه کیفی علل و زمینه‌های زباله‌گردی در شهر زاهدان

عباس ۴۴ ساله:

من خدا را شکر مواد نمی‌کشم، مواد رو ول کردم قبلاً می‌کشیدم.

زاهد ۳۸ ساله:

آره، همین اعتیاد ما رو به این جا کشونده.

سجاد ۲۶ ساله:

به قول یارو گفتمی دهن ما خشک به این شد ... دود ... دود.

حسین:

باز خوبه که من معتاد نیستم برای کسی که مواد بکشه که هیچی نمی‌شه.

احمد:

هرچی در میارم به مواد می‌زنم.

ابراهیم:

حقیقتش بعضیا می‌گن منو فلانی معتاد کرد، اما من معتاد شدم فقط به خاطر زن پدرم.

آقای ریگی:

خودمونم الان به بلای اعتیاد گرفتاریم.

#### ۲.۳.۴ فراهم بودن زمینه اعتیاد

از زباله‌گردها درباره علت روی آوردنشان به اعتیاد پرسیده شد؛ پاسخ‌هایشان نشان‌دهنده فراهم بودن زمینه اعتیاد برای آنان بوده است، فراهم بودن اوضاع و زمینه در انتخاب آنان برای روی آوردن به اعتیاد اثرگذار بوده است.

زاهد ۳۸ ساله می‌گوید:

اولین باری که لب به مواد زدم کلاس پنجم دبستان بودم با معلم، معلم ما یک زنی بود، خانم زینعلی، ترک بود از تبریز. اون دو تا دختر داشت، هم‌کلاسیام بودن، دوقلو بودن، همسایه هم بودیم، همون‌جا خوشنمون می‌رفتم تمرین کنیم درسو؛ یه روز اومدیم تو

آشپزخونه به سؤالی ازش بپرسیم دیدم داره تریاک می‌کشه، به‌خاطر این که من به کسی چیزی نگم به من همون‌جا مواد داد؛  
و وقتی از او پرسیده شد که آیا از همان پنجم دبستان به بعد گرفتار اعتیاد بودید پاسخ داد:

نه دیگه تا موقعی که مدرسه‌ها تعطیل شد که این معلمه رفت تبریز ما باهاش سر کردیم، بعدش که اون رفت هیچی.

- بعد چه کار کردین با درد اعتیاد؟

بردن منو دکتر و دارو گرفتم.

- بعد از اون کی دوباره شروع کردین؟

بعد از خدمتم.

سجاد ۲۶ ساله نیز درباره‌ی روی آوردنش به اعتیاد می‌گوید:

با دوست.

آقای ریگی نیز در این باره می‌گوید:

راه‌نمایی که اوادم همین [مدرسه] مطهری بود، این‌جا که اوادم با همین بچه‌ها آشنا شدیم پارک اون موقع به حساب می‌ومدیم، اون پارک به حساب به نام پارک حشیش بود. اون‌جا به‌خاطر این که وقتمونو بگذرونیم تا ساعت تفریح و اینا، اون‌جا می‌ومدیم می‌نشستیم، دیگه بچه‌سال هم ما به حساب جوون هم بودیم کنج‌کاو هم بودیم می‌دیدیم یارو چه آسایشی داره، قایم می‌کنه جایی، مام دو سه تا رو رفتیم درآوردیم به حساب می‌دیدیم چه کار می‌کنن بعد می‌کشیدیم.

احمد ۲۹ ساله می‌گوید:

چی بگم با رفیق نامرد که بگردی خودش نامردیه تو رو هم معتاد می‌کنه. با کسایی گشتم که اول معتاد نبودن یا نفهمیدم [که معتاد هستند] سیگار دادن کشیدم، بعد که سیگار کشیدم «چَرس» دادن کشیدم، دیگه همین‌جوری کم‌کم نفهمیدم معتاد شدم.

### ۳.۳.۴ تمایل نداشتن به ترک اعتیاد

یکی دیگر از مقولات عمده درباره‌ی اعتیاد زباله‌گردها تمایل نداشتن آنان به ترک اعتیاد بود؛ عده‌ای از آنان چند باری برای ترک اقدام کرده بودند، اما مجدداً سراغ آن رفته و دوباره

معتاد شده بودند و باور به توانایی ترک مواد نداشتند. به نظر می‌رسد آنان وضعیت فعلی‌شان را پذیرفته‌اند و پس از قبول وضعیت فعلی توانایی تغییر را در خود نمی‌بینند. آنان متوجه صدمات اعتیاد بر زندگی‌شان بوده‌اند، اما مصمم نبودن برای ترک مواد به علت پذیرش وضعیت فعلی‌شان است.

زاهد ۳۸ساله، در پاسخ به این که آیا می‌خواهد اعتیادش را ترک کند، می‌گوید:

چرا حتی برادرای خودم هنوزم هستن گیر می‌دن، دعوا می‌کنن، می‌خوان بپرن کمپ و اینا، نمی‌رم؛ می‌خوام، ولی گیر کردم تو مواد نمی‌شه.

احمد ۲۹ساله می‌گوید:

الان نگا کن یک چیزی که شده اینه که من از چی خارج شدم دیگه نمی‌تونم اون کارو نکنم. یکی دو بارم گذاشتمش کنار ولی باز دوباره گیر کردم نمی‌دونم چی داره که والا اینا رو که ترک می‌کنی این لامصبا رو، با چیایی [چیزهایی] که به‌زور ترک می‌ده به درد نمی‌خوره، کار یک روز نیست، سه چهار دفعه‌اس ترک می‌کنم لامصب رو می‌ذاری کنار باز دوباره ... خدا مگه خودش کمک کنه که ترک کنم.

ابراهیم ۳۱ساله می‌گوید:

بارها ترک کردم، به خدا گفتم نمی‌کشم، بازم نشد.

#### ۴.۴ فقدان حمایت خانوادگی

هر فرد در شبکه‌ای ارتباطی با دیگران قرار دارد، این شبکه ارتباطی می‌تواند بزرگ و گسترده باشد یا کوچک. ارتباط با دیگران و گروه‌های اجتماعی شبکه‌ای حمایتی برای افراد ایجاد می‌کند. در جامعه افراد به شبکه‌های حمایتی و ارتباطی نیازمندند. یکی از شبکه‌های حمایتی برای افراد خانواده‌شان است. در این بخش دو مقوله «ازدست‌دادن فرد حامی» و «نبود احساس تعلق به خانواده» قرار می‌گیرد.

#### ۱.۴.۴ ازدست‌دادن فرد حامی در خانواده

معمولاً در خانواده فردی کلیدی موجب برقراری ارتباط بین افراد خانواده و حفظ شبکه خانوادگی می‌شود. مرگ آن فرد یا نبودش باعث قطع ارتباط دیگر اعضای شبکه با هم می‌شود و در این اوضاع فرد شبکه حمایتی‌اش را از دست می‌دهد. پدر و مادرها از جمله



کسانی‌اند که باعث حفظ شبکه ارتباطی بین فرزندان می‌شوند. ازدست‌دادن فرد حامی باعث قطع ارتباط فرد با شبکه حمایتی‌اش می‌شود و نبود حمایت خانوادگی موجب می‌شود که افراد به سراغ زباله‌گردی بروند.

عباس ۴۴ساله:

من تا پیرالسال که مادرم، خدا رحمتش کنه، زنده بود وضعیت زندگی‌ام خوب بود بعد از اون خواهر برادرام پاشونو از زندگی‌ام کشیدن کنار.

هم‌چنین والدین، علاوه بر حفظ شبکه ارتباطی - حمایتی، نقش حامی نیز برای فرزندان‌شان دارند؛ از فرزندان‌شان حمایت می‌کنند تا آنان بزرگ شوند و وارد اجتماع شوند و پس از آن نیز هم‌چنان نقش حامی را برای فرزندان‌شان ایفا می‌کنند؛ ازدست‌دادن پدر و مادر موجب شده است که فرد را عضو دیگری از خانواده بزرگ کند و در نتیجه نبود فرد حامی برای زباله‌گردها محسوس بود.

احمد ۲۹ساله می‌گوید:

پدرم فوت کرده وقتی خیلی بچه بودم، خانواده‌ام یک مادر بزرگ بود.

سجاد ۲۶ساله نیز می‌گوید:

پدر و مادرم فوت کردن من کلاس اول دبستان [بودم]، با داداشم بزرگ شدم.

علاوه بر پدر و مادر، دیگر اعضای خانواده نیز از یک‌دیگر توقع حمایت دارند. در این خصوص، غنی ۴۵ساله بیان می‌کند:

برادرای سرمایه‌دار دارم؛ تیلیاردن ولی زن و بچه‌شون نمی‌ذارن منو کمک کنن، ماشین تایلندی، زن‌برادرا همه سواره، ده دوازده تا ساختمون توی این شهر دارن، اون یکی دوازده تا گل‌خونه داره، تو شهرک صنعتی یک شرکت ساختمونی داره، ولی به ما رسیدگی نمی‌کنن.

#### ۲.۴.۴ نبود احساس تعلق به خانواده

لزوم بودن در یک گروه و حفظ ارتباط با اعضای آن داشتن احساس تعلق به گروه و اعضای آن است. احساس تعلق باعث پای‌بندی فرد به گروه می‌شود و در صورت نبود آن فرد می‌تواند به‌آسانی از گروه جدا شود و با آن قطع ارتباط کند، هم‌چنین، در صورتی که

اعضای گروه فردی را در جایگاه عضو گروه نپذیرند، آن فرد باز هم شبکه ارتباطی اش را از دست می‌دهد. خانواده یکی از گروه‌های اجتماعی است که افراد عضو آن‌اند در نتیجه ضرورت پای‌بندی و احساس تعلق به آن احساس می‌شود. یکی از علل زباله‌گردی در افراد این بود که به خانواده احساس تعلق نمی‌کردند و دیگر جایی برای خود در خانواده نمی‌دیدند یا خانواده دیگر آنان را در جایگاه عضو خانواده نمی‌پذیرفت.

آقای ریگی در این باره می‌گوید:

خانواده‌ای برای یکی من، که به این حال و روز باشه، نیست؛ دیگه چی بگم طعنه‌هایی که تو خانواده می‌دادن اعصابم کشش نداشت اون موقع باهاشون بسازم.

ابراهیم ۳۱ ساله می‌گوید:

یکی نیست به ما بگه آقا درد دلت چیه؟ چه کار می‌کنی؟ چه کار نمی‌کنی؟ پدرم بهترین خونه و زندگی رو داره من باید این‌جا لاک کهنه جمع کنم؛ منو بدبخت کرد زن پدرم کرد، خونوادت یه هفته باهات بدرفتاری کنن، چه کارت کنن، زخم‌زیون بزنی، به خدا خودت نیامدی بیرون، خودتو خراب نکردی هرچی دوست داری به من بگو، بردار بگو ابراهیم، تو هرچی برداشتی گفتی رو الکی گفتی.

زاهد ۳۸ ساله می‌گوید:

دیگه هرکی دنبال زندگی خودش این روزا.

عباس ۴۴ ساله نیز از تجربه طردش از سوی همسرش می‌گوید:

یه حیاطی گرفتیم اون‌جا تو بجنود به چهاروپونصد، سند رو به اسمش [اسم زنم] کردم، حیاط رو کشید بالا، خیلی، یعنی کلاً کمرشکن کرد منو؛ خود خانوم ما مواد گذاشته تو جیب ما تو بجنود، بعد من از سر کار برمی‌گشتم پاسگاه اومده بودن بعد سه سال منو زندان انداختن.

#### ۵.۴ حفظ کرامت انسانی

همه انسان‌ها شخصیت انسانی دارند و حفظ این شخصیت برای آنان مهم است، رواج جملاتی مانند «اشرف مخلوقات بودن انسان» در جامعه ما نشان‌دهنده ارزش‌مندی انسان است؛ کسی دوست ندارد کرامتش را زیر پا بگذارد، از سویی، ارزش‌هایی در جامعه حاکم

است که اعضای جامعه سعی در رعایت و پای‌بندی به آن را دارند؛ این‌که عده‌ای به سراغ زباله‌گردی رفته‌اند به این علت بوده است که نمی‌خواستند به سراغ کارهای دیگری چون دزدی یا گدایی بروند، برای آنان حفظ ارزش‌های انسانی مهم بوده است و زباله‌گردی را با وجود سختی کار، آلودگی محیط، بوی نامطبوع، و دیگر شرایط بد آن پذیرفته‌اند تا برای تأمین معاش به زیرپا گذاشتن کرامت‌های انسانی‌شان مجبور نشوند. «کسب درآمدهای مشروع و قانونی» و «تمایل نداشتن به گدایی» در ذیل این مقوله قرار می‌گیرد.

#### ۱.۵.۴ کسب درآمدهای مشروع و قانونی

اگرچه در همه جوامع کسب درآمد و تأمین هزینه‌های زندگی از طریق کارکردن ارزش‌مند است، اما در جامعه ما یکی از ارزش‌های فرهنگی کسب روزی از راه‌های مشروع و قانونی است؛ افرادی که به این ارزش پای‌بندند حاضرند کارهای سخت را با درآمد پایین انجام دهند، اما ارزش‌هایشان را زیر پا نگذارند و به سراغ کارهای غیرمشروع و غیرقانونی با درآمد بالا نروند.

در این باره غنی ۴۵ ساله می‌گوید:

روزی من همینه، اونا می‌رن افغان‌کشی می‌کنن اینا روزی حرامه، من این کار رو نمی‌کنم، چون همانند گوشت آدم را بخوری همین‌جوره، افغانی که اینا میارن، پول دوپل ازشون می‌گیرن از همون‌جا که حرکت می‌کنن تا شهرستان که می‌رسونن بدبختارو، به چه بدبختی می‌رسونن، این پول حرومه به درد نمی‌خوره برا ما، من خانومم سیده من آگه حرام خونه ببرم من آگه هزار تومان حرام خونه ببرم همون روزش پونزده هزار تومن می‌رم از داروخونه دارو می‌خرم، به من نمی‌سازه حرام، من نمی‌خورم این جورم.

دزدی کاری مذموم در فرهنگ ما شمرده می‌شود. در فرهنگ اسلامی نیز مجازات سنگینی برای فردی که دزدی کرده است در نظر گرفته شده است. زباله‌گردها در حکم اعضای جامعه سعی در حفظ آبروی خود دارند و به سراغ دزدی نمی‌روند. حسین می‌گوید:

دیگه مجبور شدم، دیگه راهی نمونه بود. نمی‌تونم، نتونستم راه کسی رو ببندم.

آقای ریگی می‌گوید:

نمی‌شه خدایی ناکرده به مال مردم دست دراز کرد، همین از ما برمیاد.

احمد ۲۹ ساله می‌گوید:

چیزایی که می‌گیرم (می‌خرم) خودم می‌گیرم، دزدی نمی‌کنم.

ابراهیم ۳۱ ساله بیان می‌کند:

مس الان کیلویی هفده هزار تومنه، اونم که مس باید بری دزدی کنی بالای تیر برقا؛ اگه خدایی نکرده بگیرنت دیگه هیچی الان رو سیم برقم شده تو رو اعدام می‌کنن، بگیرنت مثلاً سر جرم که مثلاً داری [سیم‌ها را] درمیاری دیگه تمومه، حکم اعدامه.

سجاد ۲۶ ساله، که فقط در راستای خیابان مشغول زباله‌گردی است و برای این کار به کوچه‌ها نمی‌رود، می‌گوید:

تو کوچه‌پس‌کوچه نه حقیقتش دزد مُزد زیاد داره، مام (ما هم) می‌ترسیم؛ شب به قول یارو گفتنی دزد زیاد داره، مام تا حالا این کارو نکردیم که بخوایم دزدی کنیم.

#### ۲.۵.۴ تمایل نداشتن به گدایی

زباله‌گردی برای افراد راهی است که از طریق آن درآمدی کسب کنند تا گذران زندگی کنند و دیگر مجبور به گدایی نباشند. با وجود سختی کار و اوضاع نامناسبش، این افراد حفظ کرامتشان را ارزش‌مندتر می‌دانند، گدایی برای آنان پسندیده نیست و گفته‌اند که:

عباس ۴۴ ساله:

مگه من راضی‌ام دستمو جلو این و اون دراز کنم.

احمد ۲۹ ساله:

کار می‌کنیم تا زیر منت کس دیگه قرار نگیریم.

#### ۶.۴ نبود منع اجتماعی

در هر اجتماعی ارزش‌هایی حاکم است که مردم به آن‌ها پای‌بندند و به دیگران نیز اجازه تخلفی از این ارزش‌ها را نمی‌دهند؛ برای مثال دزدی در نزد مردم پسندیده نیست و بنابراین کسانی که به سراغ دزدی می‌روند هویت خود را مخفی می‌کنند و زمانی این کار را انجام می‌دهند که در معرض دید دیگران نباشند؛ درحالی که زباله‌گردها در هر ساعت از روز و حتی در اماکن شلوغ به کار خود مشغول‌اند. دو مقوله «نبود فشار مردم» و «نبود برخورد مأموران دولتی» در ذیل این بخش قرار می‌گیرد.

#### ۱.۶.۴ پذیرش زباله‌گردی از سوی مردم

با این‌که زباله‌گردها صورت خود را می‌پوشانند تا کسی آن‌ها را نشناسد، اما در هر ساعتی از روز و حتی در خیابان‌های پررفت‌وآمد به کار خود مشغول‌اند، حضور مردم برایشان اهمیتی ندارد و به کار خود می‌پردازند. مردم نیز پلاستیک‌های زباله‌شان را سرکوپه‌ها می‌گذارند و بی‌تفاوت از کنار این افراد عبور می‌کنند.

حسین درباره حضور مردم می‌گوید:

کاری به مردم ندارم، بهشون توجهی نمی‌کنم.

زاهد ۳۸ساله می‌گوید:

مردم دیگه این‌قدر مشکلات دارن که به اینا نمی‌رسه.

#### ۲.۶.۴ نبود برخورد مأموران دولتی

در هر جامعه‌ای کنترل امور و وقایع آن لازم است تا در صورت بروز مشکل جلوی وقوع مجدد آن گرفته شود و برای آن راه‌حلی پیدا شود. مأموران در هر حوزه‌ای که فعالیت می‌کنند در صورت تخلف از قانون با فرد متخطی برخورد می‌کنند. ملاک برخورد با فرد خلاف محسوب‌شدن عملی است که فرد انجام می‌دهد.

زباله‌گردها عمل خود را خلاف قانون نمی‌دانند و چون ممنوعیت قانونی برای خود نمی‌بینند به کار خود ادامه می‌دهند. از آنجایی که زباله‌ها تفکیک نیست، زباله‌گردها پلاستیک‌های زباله را باز می‌کنند و به جست‌وجو می‌پردازند و با این‌که این عمل باعث آلودگی محیط می‌شود، اما برخوردی با آنان صورت نمی‌گیرد. زباله‌گردها در کوچه‌ها زباله‌گردی نمی‌کنند، به‌خصوص در شب، زیرا ممکن است به‌جرم دزدی با آنان برخورد شود و بنابراین در خیابان اصلی به کار خود می‌پردازند.

حسین در این باره می‌گوید:

مأمورا کاری ندارن چون خلافی نکردیم که ما کاری کنند.

آقای ریگی می‌گوید:

مأمورای شهرداری بعضیا آشنا ببینن چیزی نمی‌گن.

سجاد نیز می‌گوید:

نه گشت و اینا نمیان.

زاهد می‌گوید:

مأمورا کار ندارن، تو کوچه پس‌کوچه شاید گیر بدن، اما تو خیابون اصلی کار ندارن.

## ۵. نتیجه‌گیری

با وجود این‌که انسان‌ها کنش‌گران فعال زندگی خودند، اما ساختارهای زندگی اجتماعی در کوچک‌ترین مسائل فرد تأثیر می‌گذارد و می‌تواند زمینه‌هایی را فراهم آورد که جریان زندگی فرد را از حالت متعارف خارج کند و یا می‌تواند با ایجاد موقعیت‌های جدید فرد را دوباره به زندگی برگرداند. زباله‌گردی راهی برای کسب درآمد و تأمین معاش برای زباله‌گردهاست و انتخاب زباله‌گردی معلول زمینه‌های اجتماعی - اقتصادی‌ای است که فرد در آن قرار گرفته است. «تنگناهای شغلی و ضرورت تأمین معاش» در کنار «نبود حمایت دولتی / سازمانی» اوضاعی را به‌تصویر می‌کشد که فرد برای گذران زندگی انتخاب دیگری به‌جز زباله‌گردی نداشته است. بنابراین حمایت از افراد آسیب‌دیده از لحاظ اجتماعی باعث می‌شود تا آنان بتوانند دوباره زندگی طبیعی خود را از سر بگیرند و حمایت‌نکردن از زباله‌گردها باعث دل‌سردی آنان خواهد شد و می‌تواند تبعات اجتماعی دیگری نیز به‌دنبال داشته باشد. بی‌کاری، مخارج خانواده، و ازدست‌دادن شغل قبلی به‌علت ناتوانی در ادامه آن شغل از مهم‌ترین علل روی آوردن افراد به زباله‌گردی بوده است.

اگرچه دیگر مقوله‌ها به زمینه‌های فردی مؤثر در زباله‌گردشدن تأکید می‌کنند، اما این زمینه‌های فردی نیز ریشه در اوضاع اجتماعی - اقتصادی جامعه دارند. در وهله اول اگرچه به‌نظر می‌رسد اعتیاد انتخابی فردی باشد، اما فراهم‌بودن زمینه‌های اعتیاد و نبود حمایت‌های لازم برای مراجعه افراد به کمپ‌های ترک اعتیاد باعث شده است که زباله‌گردها قادر به ترک اعتیاد نباشند. «فقدان حمایت خانوادگی» به معنی نادیده‌گرفتن فرد از سوی دیگر اعضای خانواده است؛ خانواده یکی از نهادهای اساسی هر جامعه است که تأثیر فراوانی در اجتماعی‌شدن افراد، حمایت از اعضای خود، حفظ شبکه ارتباطی، و ... دارد. فقدان حمایت خانوادگی اثرهای منفی در جنبه‌های زندگی یک فرد خواهد گذاشت. در خانواده‌ها معمولاً فردی کلیدی وجود دارد که موجب حفظ ارتباط و حمایت اعضای خانواده از یک‌دیگر

می‌شود. فوت این فرد و نبود جانشین برای آن باعث قطع ارتباطات و حمایت در بین اعضای شبکه خانوادگی می‌شود. در نتیجه باید راهی برای ترمیم روابط زباله‌گردها با دیگران و بازگرداندنشان به شبکه روابط اجتماعی - خانوادگی یافت.

حفظ و تقویت ارزش‌هایی از جمله کسب روزی حلال و کرامت انسانی اهمیتی دوچندان برای جامعه دارد. این که زباله‌گردها با وجود اوضاع نابه‌سامان اقتصادی سعی در کسب درآمدهای مشروع و قانونی دارند زمینه و فرصت مناسبی را در اختیار جامعه قرار داده است. حفظ ارزش‌ها منوط به این خواهد بود که این ارزش‌ها معنا و کارکرد خودشان را در نزد اعضای جامعه از دست ندهند، حمایت از زباله‌گردها می‌تواند به حفظ ارزش‌های اجتماعی نظیر کسب روزی حلال منجر شود.

مشروعیت داشتن کاری در جامعه باعث رواج آن می‌شود؛ منابع مشروعیت نیز از درون جامعه است، سکوت مردم و نبود برخورد مأموران دولتی با زباله‌گردها، در کنار دیگر عوامل، موجب رشد این پدیده در جامعه شده است.

تحلیل و تفسیر داده‌های میدانی این تحقیق و انتزاع آن در سطحی بالاتر به کشف مقوله هسته‌ای «زباله‌گردی؛ پی‌آمد حمایت اجتماعی ناکافی» انجامید که می‌تواند تصویر روشن و گویایی از علل زباله‌گردی در بین افراد درگیر آشکار کند. می‌توان گفت کنش‌گران و افراد درگیر در میدان مورد مطالعه زباله‌گردی را راهی برای برون‌رفت از تنگناهای معیشتی و جانشینی برای سازمان‌های حمایتی و همچنین حمایت از خود و خانواده‌شان در حفظ کرامت انسانی می‌دانستند.

## کتاب‌نامه

حسینی، سیده‌وحیده، منیره انوشه، و فضل‌الله احمدی (۱۳۸۷). «بررسی تأثیر مشارکت نوجوانان بر جمع‌آوری و دفع بهداشتی زباله توسط خانواده‌ها»، نشریه دانشکده پرستاری و مامایی دانشگاه علوم پزشکی ایران (دوماه‌نامه پرستاری ایران)، دوره بیست‌ویکم، ش ۵۵، دی.

رهنما، محمدرحیم و خلیل‌الله کاظمی خیبری (۱۳۹۱). «بازنگری راه‌بردی حوزه خدمات شهری مدیریت محلی ایران با تأکید بر پسماندهای شهری، مطالعه موردی: کالان شهر مشهد»، دوفصل‌نامه مدیریت شهری، ش ۳۰، پاییز و زمستان.

سعیدی، علی‌اصغر، مهدی حسین‌آبادی، و اردشیر بهرامی (۱۳۹۱). «بررسی رابطه احداث پروژه‌های توسعه شهری و آسیب‌های اجتماعی (مورد مطالعه: سوله بازیافت زباله پل کن منطقه ۹ تهران)»، فصل‌نامه مطالعات شهری، س ۲، ش ۳، تابستان.

- صالحی، صادق و غلامرضا خوش‌فر (۱۳۹۲). «بررسی نگرش زنان نسبت به بازیافت زباله‌های خانگی در مازندران»، نشریه برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی، ش ۱۵، تابستان.
- عباس‌زاده، محمد، حسین میرزائی، و لورا علیاری (۱۳۹۴). «تأثیر سرمایه فرهنگی و اجتماعی بر مشارکت شهروندان در تفکیک و جمع‌آوری زباله‌های خانگی (نمونه مورد مطالعه: شهروندان شهر ارومیه)»، مطالعات جامعه‌شناختی شهری، س ۵، ش ۱۴، بهار.
- علیاری، لورا، محمد عباس‌زاده، و حسین میرزائی (۱۳۸۹). «بررسی تأثیر سرمایه اقتصادی و میزان رضایت از خدمات شهری بر میزان مشارکت شهروندان شهر ارومیه در تفکیک و جمع‌آوری زباله‌های خانگی»، مطالعات جامعه‌شناسی، س ۲، ش ۷، تابستان.
- عمرانی، قاسمعلی، امیرحسین جاوید، و الهام رمضانعلی (۱۳۹۱). «بررسی معیارهای مکان‌یابی ایستگاه انتقال زباله منطقه ۲۲ کلان‌شهر تهران از نظر ملاحظات زیست‌محیطی هوا و شیرابه»، علوم و تکنولوژی محیط زیست، دوره چهاردهم، ش ۲، تابستان.
- محرمنژاد، ناصر و همکاران (۱۳۹۰). «بررسی ترکیب و میزان زباله‌های تولیدی شهر کاشان در سال ۱۳۸۸»، فصل‌نامه فیض، دوره پانزدهم، ش ۳، پاییز.
- محمدیان، محسن، حسنعلی آقاجانی، و محمود نیک‌زاده زیدی (۱۳۸۸). «بررسی میزان صرفه‌جویی در هزینه و زمان حاصل از تغییر سیستم در ایستگاه‌های جمع‌آوری و حمل زباله شهر تهران»، فصل‌نامه مدیریت، س ۶، ش ۱۵، پاییز.
- مهدوی، ایرج، رضا توکلی‌مقدم، و سیدمصطفی قاضی‌زاده هاشمی (۱۳۸۹). «مسیریابی وسایط نقلیه و تعیین تعداد ماشین‌های جمع‌آوری زباله با استفاده از یک روش فراابتکاری - یک مطالعه موردی»، پژوهش‌نامه حمل و نقل، س ۷، ش ۱، بهار.